



سال سوم، شماره ۹۲
پنجشنبه ۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۰
بهاء ۱۰ دی سال

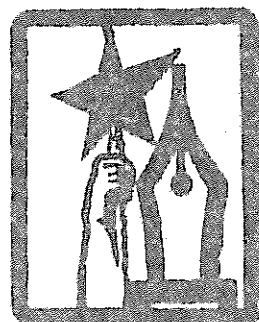
روائی

ویژه مبارات قندهای

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

تشکیل صف مستقل حب

تنہاراہ خروج از بحر ان



بنی صدر و شرکا به اضافه جناحی از ارتش و احتیالات
پارهای از سران ایلات در طرف تکیه است .
برنامه ی این جنبه بر حول صوهرای ضد لائسیتی
و ضد دیکتاتوری طرح ریزی شده و همه
گرایشهای سیاسی با این خصوصیت از جمله پرروازی را
در بر میگیرد . حال باید دید چه می کند و
اصولا چه باید بکند . ما در گذشته بارها پیرامون
ضرورت صرم تشکیل ائتلاف چه نه بخاطر مقتضیات
بقیه در صفحه ۲

بدنبال خرج بنحود و رجوعی از ایران که
دلایل مختلف و در محافل گوناگون سیاسی با تعجب
شکلی خاصی تعبیر و تفسیر شد و همچنین بی
آذهای این سفر متعاقب با اظهار نظرهای اعلام
مواضع سیاسی رهبران دو جریان مختلف در پارلمان
پخشهای جدیدی پیرامون انگیزه و دلایل این سفر
خط شی جریان "شورای طاووت ملی" برنامهای
و ترکیب این "شورا" و پهنوابعهای بین المللی
آن در سطح همکارانهای و تشکلات سیاسی
ایران و جهان پدید آمده است. ما در شماره
های آینده در نوشته دیگری نظرات خود را در ارتباط
با برنامه "شورای طاووت" و چشم اندازهای آن که در
مقابل آن قرار دارد اعلام خواهیم کرد.
در اینجا روی سخن ما نه با بنی صدر و مجاهدین
بلکه با چیست. چه اتفاقی که تصمیم به ادامه
مبارزه در چهار چوب برنامه رادیکال و چپ دوار
ساز نیروهای چپ و در جبهه چپ دارد. چپ
که به تفکیک صف مستقل خود بعنوان پیشرو
اصلی همکاری و ائتلاف با سایر نیروهای مترقی
اعتقاد واضح دارد و در این راستا صادقانه
کوشش میکند. ما سوال گذشته خود را که بارها
تکرار کردیم باز هم صراحت تکرار میکنیم:
رفقای چپ چه میکنند و به کجا میرود
آنطور که از قرائن پیداست، اگر تا دیروز
ساله حمایت مجاهدین خلق از بنی صدر و سرودرگسی
نیروهای چپ در چگونگی اتحاد ضعیف در این
ارتباط محدود شده بود هم اکنون ائتلاف طیف
سیاسی از نیروهای سیاسی از مجاهدین خلق گرفته

در صفحات دیگر

* اعدام فاشیستی دو رفیق کمونیست
* نیاز اجباری یا بیگاری در کارخانها
* "تعهد الوصله"
* وسیله‌ای در خدمت نژاد کابل حقوق
* اقلیت‌های مذهبی
* اخبار

تکثیر اف

هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا

تشکیل ...

پراگماتیستی و تاکتیکی بلکه بعنوان یک اصل ضروری تاریخی سخن گفته ایم و عواقب ناشی از عدم تحقق جبهه‌ی چهارم متذکر شده ایم. غرسواری و ترفند با آن ترقی این و آن شدن نتیجه منطقی پراگماتیسم گاری و شرکت جداگانه در ائتلاف‌های دیگران است. هم اکنون قطب‌های سیاسی مشخص تر شده‌اند. علاوه بر قطبی که ذکر آن رفت - "شورای مقاومت ملی" - به احتمال زیاد قطب مخالفین سلطنت طلب رژیم اسلامی با شرکت و یا بدون شرکت بهختیار - امینی - اویسی و دیگران تشکیل خواهد شد. گویانکه تا کنون نیز این جماعت با انجام پاره‌ای همکاریها ترتیب دادن برنامه‌های رادیکالی و غیره مدت‌ها است که برنامه خود را آغاز کرده‌اند. جبهه رژیم جمهوری اسلامی و متحدین و موافقینش نیز که روشن است و بارگرفته‌اند مدتی است که انجام شده است. حال میماند جبهه چپ و همکاریهای فشرده این جبهه. متأسفانه در اینکه در شرایط حاضر هم بدلیل بروز انحرافات جدید سیاسی در خط مشی و برنامه و هم بدلیل ضربات رژیم قد خلقی حاکم، بطور کلی جنبش چپ پیش از گذشته تضعیف شده و از لحاظ بنیه و توان مبارزاتی تا حدی تحلیل رفته است بحثی نیست. این امر علیرغم خواست مسلمانان ولیکن بعنوان یک واقعیت امروز در مقابل دیدگان ما خود می‌نمایند و ما متأسفانه شاهد این صیر نزولی و وضعیت درهم نیروهای چپ هستیم. معذالک و علیرغم این واقعیت، آن دسته از نیروها شبکه از اوضاع و احوال کنونی و مسیر تحولات آتی آن برداشت واحد دارند و از لحاظ بنیه و توان سازمانی قادرند که در چارچوب یک ائتلاف چپ مبارزات خود را هدایت کنند، میبایست که هرچه زودتر دست‌بکار شوند و تا دیر نشده سنگ بنای ائتلاف راستین نیروهای چپ را - هرچند که در ابتدا این نیروها محدود و کوچک باشند - بنیان نهند. هرگونه تعلل در انجام این امر مهم فاجعه خواهد آفرید.

در ارتباط با پلاتفرم و برنامه جبهه چپ، سخن بسیار است و نیروهای شرکت‌کننده در چنین جبهه‌ای خود قادر خواهند بود که به تدوین بهتر

این و صحیح‌ترین برنامه ممکنه بپردازند. لیکن اعتقاد ما بر آن است که خطوط کلی چنین پلاتفرمی باید بر اساسی محورهاى ضد امپریالیستی - ضد سرمایه‌داری، حقوق و آزادیهای دموکراتیک و تعیین مرزبندی با بورژوازی و نیروهای لیبرال و دیگران قرار گیرد. این جبهه یک جبهه، تفسیر و تشدید مبارزه علیه رژیم ارتجاعی حاکم خواهد بود و نه جبهه عقب‌نشینی بنا بر این سمت اصلی حمله میبایست در جهت تجهیز همه نیروها برای پیکار همه جانبه با رژیم و استفاده از همه شیوه‌های مناسب برای انجام این پیکار متحرک شود. چپ برای ادامه مبارزه خود در چنین شرایط سختی که رژیم فاشیستی اسلامی به ما تحمیل کرده است به چنین ارگان مبارزاتی نیاز مبرم دارد و ما با تمام وجود این ضرورت و نیاز مبرم را حس می‌کنیم. و معتقدیم ادامه‌ی مبارزات نیروهای چپ با بصورت پراکنده و با بصورت ائتلاف‌های مجزا با جبهه‌های غیر چپ، هیچ‌گونه قادر نخواهد بود که در راستای مبارزات توده‌ها بطور مثبت تأثیر گذار باشد. در حالت اول نیروها بسیار هدر خواهند رفت و در حالت دوم به انحراف خواهند گراشت. فقط با متشکل کردن صفوف خود قادر خواهیم بود که جایگاه واقعی خود را در مبارزات آینده بدست آورده و بر مسیر حرکت تاریخ و تعیین جهت آن تأثیر بسزا داشته باشیم. ما در اینجا بار دیگر به همه نیروهای چپ و بخصوص به آندسته‌ای از عناصر مادی که گرفتار بی‌سیاستیها و یا بی‌سیاستیهای رهبری سازمان‌های خود شده‌اند هشدار میدهم که زمان حرکت گریه بسیار دیر لیکن هر چه زودتر باید آغاز گردد. تا گامهای جدیدی در تشکیل ائتلاف اصولی همه نیروهای چپ برداشته شود. ما در این راه حاضریم با تمام نیرو و ادای سهم کنیم. لیکن مسئولیت عدم تشکیل جبهه چپ بویژه بعهده کسانی خواهند بود که در لفظ و بیان از تشکیل صف مستقل چپ سخن می‌گویند ولی در عمل در جهت تحقق آن هیچ گامی بر نمی‌دارند. پس رفقا دست‌بکار شویم. تعلل‌ها و تردیدها را به کنار گذاشته و به تشکیل قطب چپ، قطب انقلابی در جامعه همت گماریم و جنبش چپ را یک گام به سوی شکل و یکپارچگی به پیش ببریم. رمز موفقیت ما در همین است.

اعدام فاشیستی دو رفیق کمونیست



در سمرگاه روز جمعه ۹ مرداد، جنایتکاران جمهوری اسلامی بدستور موسوی نیروی جلا دو تن از بهترین رفقای سازمان در تبریز را به جوخی اعدام سپردند. رفقا منوچهر دست‌نوع (مرتضی) و ابوالفضل صالحی مرزبجرائی (علی) که در تاریخ ۳ تیرماه پیش در حبس بخش اعلامیه و نشریه سازمان دستگیر شده بودند به "اتهام" قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی تبریران شدند تا گشتاران خون آشام ارتجاع به حکومت شکنجهشان ادامه دهند.

رفیق منوچهر دانشجوی سال آخر فلسفه دانشگاه

رفقا و هموطنان مبارز!

از آنجا که بعطیت شرایط ترور و خفقان شدید بخش گسترده‌ی "رهايي" میسر نیست، برای تشدید هر چه بیشتر افشاگری علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نشریه را پس از مطالعه در اختیار دیگران بگذارید.

تبریز و رفیق ابوالفضل نیز دانشجوی سال سوم همان دانشگاه بود. ما شرح زندگی و فعالیت مبارزاتی رفقا را در شماره‌های آینده منعکس خواهیم ساخت. باشد که خون پاکشان پرچم سرخ سوسیالیسم و آزادی را بر افراشته‌تر سازد.

یادشان گرامی باد

نماز اجباری یا بیگاری در کارخانه‌ها

منفی بگذارد و لطم می‌باشد تا با تنظیم برنامه از ایجاد هرگونه اخلال در امر تولید جلوگیری شود. پس با برنامه‌ریزی معین به این منظور اختتام داده شده است. نمیتوان بهیچوجه در صورتیکه بهر دلیل یا عذری شرکت در نماز جماعت مقدور نبود دست از کار کشد و اعلام میدارد اطفال بکار در زمان برگزاری نماز جماعت حق بسترای کارگران ایجاد نخواهد کرد.

(روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۶ تأکید از ماست)

بزیان ساده‌تر یعنی اینکه ساعات کار باید افزایش یابد تا زمانیکه برای نماز اجباری صرفه می‌شود هم میزان تولید لحظه نرزد و یا اثر منفی نگذارد. از طرف دیگر اگر کسی "بهر دلیل یا عذری" در نماز نمیتواند شرکت کند (حال چه از طبیعت مذکور باشد چه معتقد به نماز اجباری نباشد و چه اصلاً اعتقاد به دین نداشته باشد) حق دست کشیدن از کار را ندارد و باید عدم شرکت خود را با استعلام خودگفته "حق" برای کارگران ایجاد" نمیکند، کفاره دهد، یعنی بهیچوجه بیکر کار کند ولی مزد نگیرد. این ترازه گشاده از هدف دژخیمان رژیم برای شناسایی و جاسوسی در مورد عناصری است که نماز نمی‌خوانند. اینست آن طعن این دیوانگان لجام گشسته که با آن میخواهند جهان را هم مسلمان کنند: با در نماز اجباری شرکت کنید و یا مجازاً بنفع جیب سرمایه‌داران کار کنید.

اگر تا دیروز معنی شمار "جهان را سرمایه‌دار با منطق سلطان می‌کنیم" برای مدهای از مردم نداشت شناخته بود، امروز معنی و مفهوم واقعیش بخوبی بیان شده است. واقعیات زندگی کمتر جای ابهامی برای شمارهای عوامفریبانه و بی‌محتوی باقی‌مانده می‌گذارند. منطق بزعم رژیم جمهوری اسلامی یعنی سرمایه‌داران شبانه‌روزی گردستان، یعنی آوارگی میلیون ها جنگ زده، یعنی با بحال کردن حقوق اولیه‌های زمینگشان، یعنی فوج فوج انقلابیون را به جوشه‌های اعدام سپردن، یعنی زندان، یعنی ترور، یعنی...

رژیم جمهوری اسلامی، طبرغم بلاهت تاریخیست خوب میداند که آن نیروی اجتماعی اساسی ای که کار او را بکسر می‌کند و به ادامه‌ی حیات پر نکبت و زهرآگینش خاتمه می‌بخشد طبقه‌ی کارگری است که به آگاهی دست یافته است. سحران محدودالطکر و گیاده‌کشان سرمایه‌داری آنی و وحشتناک جنبه‌ی طبقه‌ی کارگر - این آتشفشان هم اکنون خاموش - آرام و قرار ندارند و با شش با انواع و اقسام حیل درمدا بهاد مواضع هستند تا آگاهی - این آتشی بی‌علاج سرمایه‌داری - پنهان آنها نشود.

اما کیست که نداند رژیم به طاب دارش می‌بکشد. اطلاعیه‌ی وزارت کار و امور اجتماعی درباره‌ی برگزاری نماز جماعت در کارگاه‌ها بخوبی گویای فضالت‌های نقابدار و بی‌نقاب رژیم است. در این اطلاعیه آمده است:

"انجام این فریضه نباید در امر تولیدات

اعدام سعادت...

اقتضای طبیعتشان همنوای "امام امت" و عزرب الله" از آب درآمدند.

اما اگر چنین تقلای بی‌ساده‌ترین شکست رژیم‌های مروج دوران باشد، خنده‌دارترین تراژدی تاریخ نیز حلقه بگوشی و بی‌شخصیتی مفتضانه‌ی خود فروختگانی چون حزب توده و اکثریتی هاست که با جاسوسی برای بقای اسلام و اسلامیون عزیز و لو دادن انقلابیون در خدمتگزاران رژیمی که قرار است سرب را در شرفیر سرمایه داری را واقعتاً جلوه‌گر کند، در عین خفوع گوی سبقت از یکدیگر رسیده‌اند.

در این حال، اعدام سعادت و دیگر دینا رزین و انقلابیون تنها گویای درعاندگی سردمداران جمهوری اسلامی در عقانیت بخشیدن به رژیم قرون وسطا شیطان نیست. بلکه افشاگر و رسواکننده‌ی خائنین و خودفروختگان از جمله شیفتگسان و راهیان "را در شرفیر سرمایه‌داری" نیز هستند.

اعدام محمدرضا سعادت از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در حالیکه قبلاً به اتهام "جاسوسی"، توسط "دادگاه فدا انقلاب" به ۱۰ سال حبس محکوم شده بود، بار دیگر در محاکمه استیصال و سبقت حکام "مکتبی" و "اسلام پناه" را عرضه کرد.

تشکیل یک دادگاه فرمایشی برای تبدیل ۱۰ سال حبس به اعدام، برای رژیمی که در عرض چند ساعت حداقل سی نفر را "مهاکمه" و به جوشه‌ی اعدام می‌سپارد و با هزاران مبارز و انقلابی را ماهها بهلا تکلیف و بدون هیچ مجوزی در زندان نگاه میدارد هم آنقدر آسان است که از جنبش رژیم جز این انتظاری نداشته. درک اینست ساله برای انقلابیون صدیق و نوده‌های از توهم رسته همانقدر سهل است که ماستمالی کسب کردن سحاکندی جاسوسان خود فروخته‌ای نظیر همدجراپی (ما مور سیا به اشتراک خود) و غیره که بر

“تحریر الوسیله”

وسيله‌ای در خدمت نفی کامل حقوق اقلیت‌های مذهبی

در بخش‌های گذشته‌ی بررسی کتاب “تحریر الوسیله” دیدیم که لایحه‌ی “قصاص” خلاصه‌ای است از سه فصل “حدود، قصاص و دیات” این کتاب. اگر چه این کتاب چند قرن پیش نوشته شده است، اما چون خمینی آنرا تأیید کرده و مواردی هم به آن افزوده است در حال حاضر به سه دروغ نوشته‌ی او قلمداد می‌شود.

با بررسی‌های منتهای چندماده از قوانین مربوط به ازدواج و مجازات‌های موجود در این کتاب نشان دادیم که تفکر مسلط بر آن، که همان ایدئولوژی رژیم خمینی است:

(الف) به‌شمارانه‌ی بدیهی ترین حقوق زن را نفی میکند و او را به حد کمتر از یک حیوان تنزل میدهد. نمونه: مسأله‌ی ۱۲ صفحه‌ی ۲۴۱ جلد دوم “تحریر الوسیله” در مورد اجازه‌ی ازدواج با دختران خردسال حتی کمتر از نه سال.

(ب) به‌وضوح طبقاتی و مدافع منافصع شروتمندان است. قوانین مجازات موجود در این کتاب به شروتمندان اسکان میدهد در مقابل پرداخت پول به هر جنایتی دست‌پزشتند. از این رو این قوانین خود بزرگترین موقوف قتل و جنایتند. حتی یک نگاه به مقررات “قصاص” که در “لایحه‌ی قصاص” نیز آمده‌اند این نکته را به آسانی ثابت میکند.

(پ) این تفکر علاوه بر آنکه کوچکترین بین‌درکی از ساده‌ترین مسایل اجتماعی ندارد، خشن‌ترین و وحشیانه‌ترین روشها را برای مقابله با آنها تجویز میکند: شکنجه و قطع انگشتان کودکان برای بازداشتن آنان از دزدی (مسأله‌ی یک صفحه‌ی ۲۸۲): “قطع سر، پرتاب از بالای کوه با دست و پای بسته، کشتن در زیر آوار، سوزاندن در آتش یا ترکیبی از آنها” در مورد کسی که لواط کرده باشد (مسأله‌ی ۶، صفحه‌ی ۴۷۰).



خمینی در ۱۹ آبان ۱۳۵۷، ماه‌ها قبل از آنکه قدرت را بدست بگیرد با حتی مطلعین باشد که قدرت را بدست خواهد گرفت، برای فریب توده‌ها در پاسخ به سؤال “سازمان عفو بین‌المللی” در مورد “آزادی عقیده، آزادی بیان عقیده، و آزادی انتخاب شغل” برای مارکسیست‌ها چنین گفت:

“الف- در حکومت اسلامی همه‌ی افسران

دارای آزادی در هرگونه عقیده‌ای هستند ولیکن آزادی خرابکاری را ندارند.

ب- در اسلام آزادی انتخاب شغل بر هر فردی برحسب ضوابط قانونی محفوظ است.”

(کتاب “مباحثه با امام”، ترجمه و تالیف ابرج جمشیدی، انتشارات پیشگام، تهران، صفحه‌ی ۱۵)

و در پاسخ به پرسش‌های مکرر در مورد حقوق اقلیت‌های مذهبی چنین گفت:

“تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب آئین و اجتماعی خودآزادانه و حکومت اسلامی، خود را موظف میدانند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کنند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند.” (۲ آبان ۱۳۵۷- همان کتاب صفحه‌ی ۲۹)

“... اسلام نسبت به این اقلیت‌ها احترام قابل است... باید غرض مشروع باشد که اسلام نسبت به اقلیت‌های مذهبی بسیار با احترام رفتار میکند. من بارها گفته‌ام که آنان در ایران آزادانه مراسم خود را انجام میدهند و ما موظفیم از آنان نگهداری کنیم.” (۱۹ آبان ۱۳۵۷- همان کتاب صفحات ۴۴-۴۳)

تجربه‌ی تلخ دو سال و نیم حکومت اسلامی اکثریت قاطع مردم ایران را منظر از جنس، نژاد، طیف، اعتقاد به هرگونه دین، و بی اعتقادی به دین نشان داده است که:

(الف) بر خلاف وعده‌ی خمینی، در حکومت اسلامی نه تنها مارکسیست‌ها هیچگونه آزادی اندیشه و آزادی بیان اندیشه را ندارند، بلکه حتی معتقدین به اسلام نیز اگر به اسلام خمینی معتقد نباشند تحت محدودیت‌های گوناگون (از بستن روزنامه‌ها تا اعدام) قرار میگیرند.

(ب) “ضوابط قانونی” که خمینی از آن دم میزند فقط یک چیز است: تسلیم مطلق در برابر رژیم او و “خرابکاری” هم در قاموس او مانند رژیم شاه، یعنی ابراز کوچکترین مخالفت با رژیم.

چنانکه گفتیم اینها همه در تجربه‌ی اثبات شده است، اگر چه برای برخی از مبارزان آگاه پیش از این تجربه هم دروغ بودن ادعاهای خمینی آشکار بود. اما در عین حال بوده‌اند و هستند کسانی (خودفروشان) چون توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها که جنایات رژیم را به “مناقصات

"فکر میکنند" مرتد است بکشند بدون آنکه ترسی از مجازات اعدام داشته باشند. این قوانین نیکه تنها اجازه قتل کمونیستها را صادر میکنند بلکه خون معتقدان به ادیان چون بنیادین و دین بودا و غیره را نیز "حلال" اعلام میکنند.



توجه گران اسلام و رژیم خمینی با پرهیز گفتارند که اگر چه اسلام بر "کفار خریس" سخت میگیرد، اما با "اهل کتاب" (یعنی مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان) بسیار مدارا میکند و در مقابل گرفتن باج از آنان، حقوق آنان را محترم میخارد و از آنان دفاع میکند. مقررات موجود در بخشهای مربوط به "اهل ذمه" یعنی کسانی که با پرداخت باج از اعدام نجات پیدا میکنند، معنی واقعی "احترام به حقوق" و "دفاع" از اقلیتهای مذهبی را به خوبی نشان میدهند:

"مسالهی ۲": "مسالهی ۲۹۷، میگوید هر کسی که پس از ظهور اسلام مسیحی، یهودی یا زرتشتی شود "کافر خریس" است" یعنی قتلش واجب است. "مسالهی یک"، "مسالهی ۲۹۹، مقرری دارد که "جزیه" یعنی همان مالیات باجی که "اهل کتاب" باید بدهند "مقدار خاصی ندارد و حدی هم ندارد ((تا کیدها همه جا از ماست))، بلکه تعیین مقدار آن به نظر والی و تشخیص او از مصالح مکان، زمان و مقتضیات روز بستگی دارد. طبق "مسالهی ۶"، "مسالهی ۵۰۰، "والی" یعنی حاکم مسلمانان مجاز است علاوه بر گرفتن باج، "اهل کتاب" را مجبور کند که به مسلمانانی که از مناطق آنان میگذرند "مهمانی" بدهند.

بنا بر بخش ششم از "مسالهی اول" "مسالهی ۵۰۱"، "اهل کتاب" در صورتی با پرداخت جزیه از قتل نجات پیدا میکنند که تعهد کنند که در "سرزمین مسلمانان":

"کنیسه سازند، ناقوس نزنند، با ختمان بسازند سازند، و اگر خلاف آن کنند تعزیر میشوند."

مطابق "مسالهی ۵"، "مسالهی ۵۰۲"، "مکروه" است که فرد مسلمان به "کافر ذمی" "سلام کند" و "جسواب سلام او را هم باید" هر چه کوتاهتر "بدهد". همین "مسالهی" میگوید "مستحب" است مسلمانان "کفار غیر ذمی" را "مجبور کنند از تنگنویسن کوچها عبور و مرور کنند". "مسالهی یک" "مسالهی ۵۰۴،

"اهل کتاب ... مجاز نیستند در شهرهای اسلام معابدی مانند کنیسه ((معبد یهودیان یا ن))، کلیسا یا آشکده بنا کنند و اگر بنا کنند والی مسلمین باید آنها را خراب کند.

غیر مسئول که در داخل رژیم رخنه کرده اند نسبت میدهند، و با آنرا جلوه ای از "هرج و مرج" در گانه خرد بورژوازی" میدانند. و بوده اند و هستند کسانی که این جنایات را "انحرافی از اسلام" قلمداد میکنند.

اما از آنجا که مقررات کتاب "تحریر الویل" مبتنی است بر قوانین اسلامی که از قرآن، سنت پیغمبر، یا نظرات مراجع شیعه استخراج شده اند، توجه به مواد مزبور از آن کتاب نشان خواهد داد که هدف آگاهانه پسا نا آگاهانه تمام اظهارات توجه گرانه ی فسوق چیزی نیست جز فریب توده ها.

مسالهی ۱۵ در صفحه ۲۶۶ جلد دوم کتاب تعاریف زیر را درباره ی "مرتد" ارائه میدهد:

"مرتد فطری کسی است که یکی از والدینش در عین اعتقاد نطفه مسلمان باشد، پس از رسیدن به بلوغ اظهار اسلام کند، و پیر از آن از اسلام خارج شود.

مرتد ملی کسی است که والدینش در حال اعتقاد نطفه کافر باشند، پس از رسیدن به بلوغ اظهار کفر کنند، پس از آن مسلمان شود، پس از آن دوباره کافر شود، مثل مسیحی الاصلی که مسلمان شود، و پیر از آن دوباره مسلمان مسیحی شود."

و سایر زهر "مجازات" چنین فردی را تعیین میکنند:

"مسالهی یک (مسالهی ۲۹۴): اظهار اسلام از سوی مرتد فطری قبول نمیشود، و اگر مرد باشد کشته میشود، اگر زن باشد ... کشته نمیشود، بلکه حبس ابد میشود در مواقع نماز گتگزده میشود و معیشت ((خورد و خوراک و شرایط زندگی)) بر سر او سخت گرفته میشود، و اگر توبه کند از حبس خارج میشود. از مرتد ملی خواسته میشود که توبه کند، اگر امتناع کند کشته میشود، و جانب احتیاط آن است که سه روز از او درخواست توبه شود و در روز چهارم کشته شود."

توجه داشته باشیم که مجازاتهای فوق هیچ ارتباطی به "خوابگاه" بودن یا نبودن فرد ندارد و مرها بر مبنای تقییده ای او اجرا میشوند. مطابق این قوانین یک فرد کمونیست یا بایزیر شکنجه و حبس ابد تغییر عقیده بدهد، و یا باید کشته شود. بخلاف، مسالهی ۸، صفحه ۲۹۵ میگوید:

"اگر مرتد ملی توبه کند، و پس از آن کسی که فکر میکنند هنوز مرتد است او را بکشند، کشته شده است که باید قضا شود، و قوه مجریه است که ((قضای)) نشود، و لازم است که ارشاد دیه ((پول خون)) پرداخت شود."

به این ترتیب "مومنان" میتوانند هر کس را که

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

و بنابر "مسأله ۲" در همان صفحه، معابد "اهل کتاب" در تمام "شهرهایی که مسلمانان آباد کرده باشند مثل بصره، کوفه، بغداد و تهران"، و با "شهرهایی که مسلمانان به مرور فتح کرده باشند" باید بوسیله‌ی والی مسلمانان خراب شوند "حتی اگر والی جاشر ((ستمگر)) باشد".

بناظر داریم که مدت کوتاهی پس از کودتای امریکایی ۲۸ مرداد فلسفی واعظ، نوکر رژیم شاه و رژیم خمینی، به همراه سرلشگرزاهدی، نخست وزیر رژیم کودتا، معبد بهائیان در تهران را "فتح نظامی" و "تخریب" کرد تا "موانع اسلامیت شاهنشاه عظیم الشان" را ثابت کند.

"مسأله ۲"، صفحه ۵۵، از این هم فراتر می‌رود و می‌گوید:

"هر ساختمانی که ((کافر)) ذمی بدست آورد یا بسازد نباید از ساختمان مسلمانان همسایه‌ی مسلمانان بلندتر باشد."

گرچه همین ماده با قدری "تامل" و "دودلنسی" می‌گوید "شاید کافر ذمی مجاز باشد ساختمانهایی هم ارتفاع ساختمان همسایه‌ی مسلمانان بسازد!!"

"متفکر آزاداندیش" پس از ذکر چندین مقررات دیگر در مورد بلندی و کوتاهی دیوار خانه‌ی "کافر ذمی" به پاره‌ی برای آنکه جنبین کسی فکر نکند با جلد رضایت همسایه‌اش می‌تواند مثلا، یک اتاق بر روی پشت بام خانه‌اش بسازد.

در "مسأله ۴"، صفحه ۵۵، می‌گوید:

"ظاهرا مجاز نبودن بلندی ((ساختمان)) از احکام اسلام است و ربطی به رضایت یا عدم رضایت همسایه ندارد..."

و سپس برای آنکه مبدا "اهل کتاب" تحت "حمایت حکومت اسلام" بفکر استفاده از این همه "آزادی" بیافتند، "فروع" زیر را هم در صفحات ۵۰۶ و ۵۰۷ به قوانین فوق اضافه می‌کند:

"اول - ... اگر ((فرد ذمی)) از دین خود به دینی که اهل آن بر مذهب خود باقی میمانند ایمان بیاورد، یهودی ای که مسیحی شود یا بر عکس، آیا از او پند برشته میشود؟ بعید نیست که پذیرفته شود، و گفته شده است که جز اسلام یا قتل چیزی از او پذیرفته نخواهد شد."

"ثوم - اگر ذمی برای وصیت کند که کنیسه یا کلیسا یا آتشکده‌ای ساخته شود یعنی معبدی برای آنها یا جایی برای عبادات باطلان، و آن کار بما واگذار شود، ما اجازه نداریم آن را انجام دهیم. همچنین اگر وصیت کند که چیزی در راه نوشتن تورات، انجیل، یا دیگر کتابهای گمراه کننده و تحریف شده و چاپ و پخش آنها صرف شود، و همچنین اگر چیزی مشابه آنچه گفته شد در دسترس کند، حتی اگر آن کار به ما واگذار شود، ننود، اگر ساختمان باشد ساختن بنا"

تعمیر آن مجاز نیست و باید از آن جلوگیری شود. در غیر این صورت ما اعتراضی نداریم مگر آنکه بخواهند از آن طریق مذاهب باطل خود را میان مسلمانان تبلیغ کنند و فرزندان را گمراه کنند، که در آن صورت واجب است که از آن منع شوند، و بهر وسیله‌ی مناسبی دفع شوند."

"چهارم - کافران، چه ذمی و چه غیر آن، اجازه ندارند مذاهب فاسد خود را در سطح زمین مسلمانان تبلیغ کنند، یا کتابهای گمراه کننده‌ی خود را نشر دهند و فرزندان آنها ((مسلمانان)) را به مذاهب باطل خود دعوت کنند و واجب است که ((در این صورت)) تعزیر شوند، و بهر وسیله‌ی مناسبی از آن کار بازشان دارند، و واجب است که مسلمانان از کتابها و مجالس آنان دوری جویند و فرزندان خود را نیز از آن منع کنند، و اگر چیزی از کتابها و اوراق گمراه کننده‌شان به دستشان برسد باید آنها را بین ببرند و کتابهای آنها چیزی نیست مگر ((کتابهای)) تحریف شده و غیر محترم. خدای بزرگ مسلمانان را از شر اجانب و هیله‌هایشان محفوظ نگاهدارد، و گله‌ی اسلام را بالاخر پس کلمه قرار دهد."

چنین است معنای واقعی "احترام بسیار" و "آزادی اقلیتهای مذهبی تحت حاکمیت" اسلام عزیز، و چنین است معنای واقعی شعار فاشیستهای حزب الله که روی دیوارها مینوشتنند و مینویسند:

"جهان را با منطق مسلمان میکنیم!"

منطق باج گیری، کتاب سوزی، تخریب اماکن مسکن مذهبی، زندان، شکنجه و اعدام، نه برای جلوگیری از "خوابکاری"، بلکه برای جلوگیری از عقاید متفاوت آسم توسط کسانی که ادعا دارند "عالیترین" و "محکمترین" نوع عقیده را دارند و "گسترده‌ترین" آزادیهای اجتماعی را برقرار کرده‌اند.



اخبار...

■ بدستور نخست وزیری کیف دستی و وسایل کارمند - آن ادارات و موسسات دولتی تفتیش میشود. این دستور در کارخانه‌ها به صورتی خشن ترو توهمین آمیز تر انجام میگردد. دویکی از کارخانه‌ها به سبزه‌ی قیچانه‌ی تفتیش بدنی به قدری موجب خشم و نفرت زنان کارگر میشود که آنها اعلام میکنند، حاضرند گاملا برهنه شوند و لباسهای خود را در اختیار تفتیش کنندگان قرار دهند، ولی اجازه نخواهند داد که چنین بیشرمانه‌ان را تفتیش بدنی کنند.

هسته‌های مقاومت توده‌ای را سازمان دهیم

آزادی و رافت در جمهوری اسلامی

پیش از دو سال و نیم از حکومت "عدالت اسلامی" می گذرد. در این مدتی که روح خدا در روی زمین مکتوم می کند، "آزادی" از نوع اسلامی اش هر روز ابعاد هولناک تری بخود می گیرد. اگر روزی چنانچه اربابان به صفوف نظامی و نهادهای انقلابی حمله می کردند، روز بعد با لشکر گشتی مزدوران - سرمایه به ترکمن صحرا و کردستان، قتل عام خلقهای تحت ستم تحت نام اسلام توجیه می شود و چند روز بعد از آن مبارزات کارگران انقلابی که ظاهراً "هر مویشی را به تمام کاخ نشینان می آرد" با خشونت بیسابقه ای سرکوب می شود و امروزه رگبار گلوله های دژخیمان رژیم در میدانهای عدام لحظه ای قطع نمی شود.

آری! زحمتکشان ایران آزادند، مثلاً آزادند تا از میان چهار جلادی که حزب حاکم برای ریاست جمهوری کاندید می کند یکی را برگزینند. و باز آزادند تا از بین چهار روزنامه ای ارگان ارتجاع یکی را بخوانند. و بالاخره آزادند تا بین نوکری ولایت فقیه و سینه زدن در پشت سر حکام مروتجمع و زندان و شکنجه و قرار گرفتن در برابر جوخه ای اعدام یکی را انتخاب کنند. اما سردمداران رژیم بسیار بیشتر از توده های مردم از آزادی نسوع اسلامی نصیب برده اند: آزادی کشتار انقلابیون و کمونیستها بدون محاکمه، آزادی در اعدام زنان آپسن و نوجوانان ۱۲ - ۱۳ ساله، آزادی ریختن به خانه های مردم و دستگیری و زندانی کردن آنها به بهانه های واهی - آزادی قتل - جنایت - خیانت و دزدی. دادستانی انقلاب حتی به این هم قانع نبوده و برای کامل کردن سپاه هی جنایات حکومت در روز پنجشنبه اول مرداد در اطلاعیه ای اعلام میکند: "هرکس در روز انتخابات اعتکافش کند، حتی متاجره لفظی، مجرم، مفسد فی الارض و یا غی"

شناخته شده و محکوم به اعدام است. اما به خطا رفته ایم اگر به یساریم در این دموکراسی، وظیفه ی رژیم حاکم همه کشتار و سرکوب بوده و رافت از نوع اسلامی را فرا موش کنیم. تفاهوت فقط در اینجا است که این رافت شامل هرکسی نمی شده است. و فقط آن کسانی از آن نصیب بهره اند که در مقابل حکومت سرمایه سر تعظیم فرود نیاورده اند. جهت الاسلام ری شهری رئیس دادگاه انقلاب ارتش در محاسباتی خود به این نکته اشاره کرده و میگوید:

"در ظرف مدتی که مسئولیت دادگاه انقلاب اسلامی ارتش برده ای ما بود عمل نشان دادیم عده ای ولو اینکه جراثیمشان در حد اعدام بود با امتحاناتی که از آنها بعمل آمدیم احساس شد که اگر از بازداشت بیرون بیایند برای جامعه ((سرمایه داری)) مفید خواهند شد آزاد شدند. هرکس را که خادم ارتش باشد، آتشی می پذیریم."

(کنیان - ۳۱ شهریور ۱۳۶۰)
آری مهر و عطوفت جمهوری اسلامی فقط شامل حال ما و اکیه ها و پیسارهای شاهنشاهی است که وجودشان برای حفظ نظام سرمایه داری و تثبیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مفید باشد

"قهر خداوند" یا "آزمایش امت"

بار دیگر زلزله بر محرومترین مردم ستمیده میهن ما تازیدن گرفت. خانه هایشان را بر سرشان ویران کرد. هستی شان را در زیر آوار مدفون ساخت. عده ای را بی جان و عده ای را بر تلی از خاکستر در سوگ عزیزان باقی گذاشت.

در حالیکه سرمایه های زحمتکشان میهن ما از سویی در جنگا ارتجاعی ایران و عراق نابود میشوند و از سویی دیگر توسط سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و اعوان و انصارشان دو آزادی آخرت به جیب زده میشود (رجوع کنید به اسناد دزدیهای بنیاد مستضعفین در شماره های گذشته ی رهائی و غیره) و با به حساب غشوش خدمتی به جیب اربابان و کمپانیهای امپریالیستی ریخته میشود (قرارداد با شرکت تالپوت و غیره)، محرومین خلقهای ایران، رنج دیده و ستمکش در پیغوله های (دربترین حالت) از خفت و گل در معرض عوامل طبیعی از جمله زلزله و سیل شاهد از دست دادن جان و مال و هستی ناچیزشان میباشند.

و مضحک آنکه یاوه سرايان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی همچون با زبانی فریب و شیرینک این قجایع را "قهر خداوند" یا "آزمایش امت" مینامند. برآستی اگر نتگین تر از مروتجمع، فاشیست و مزدور سرمایه مفسی وجود داشته باشد با رژیم رژیمنده ی همین رهبران خودگمارده است. مردمی که قرنهای تحت استبداد "ستم شاهی" و اخیراً "ستم فقیهی" در غیر انسانی ترین شرایط تحت بهره کشی نظامهای طبقاتی به وحشیانه ترین وجهی شکنجه و تحقیر شده اند به کدام جرم مستوجب "قهر خداوند" متاع و با کدام معیار مورد "آزمایش" قرار میگیرند؟

آیا این "خداوند سرمایه" نیست که از زبان "خداوندان فریب و شیرینک" این چنین ریاکارانه ساقط شدن هستی محرومان و رنجبران را به گردن خود آنان می اندازد تا امکان ادامه ی "قهر سرمایه" را آزمایشی دیگر کنند؟

چرا، هست. اما جاودان نیست و مهمترین از آن دیرپای نیست، طومار دریده ی این فریبکاری و فریبکاری را روزی که طوفان "قهر" زحمتکشان سر بگیرد "آزمایش" مرگ را مغلوب خواهد شد. روزی که زنجیربان اردوی کار برای هرگونه ستم طبقاتی جدال قطعی را به تلاش برخیزند. روزی که طبقه ی مرگ خداوندان سرمایه از بازوی رنج و گورده ی ستم درخشیدن آغاز گیرد. روزی که... دیر نیست.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ناتوان از حل مشکلات اقتصادی و سیاسی - در آخرین دقایق عمری خود بر هر خس و خاشاک برای نجات جنگ میاندار ولی هر دم بیشتر در منجلاب تنهایی فرو میرود. اما رژیم باید بداند که اعدام انقلابیون و کمونیستها بی جواب نمی ماند و باید بداند که علیرغم این کشتارها، آنها لحظه ای دست از مبارز و افشا رژیم بر نخواهند داشت.

(۲) همگان قهره‌ای به شماره‌ی ۲۳۷۵۲ تهران

(۵) همگان قهره‌ای به شماره‌ی ۱۴۵۲۷ زنجان -

(۶) دانشون آبی به شماره‌ی ۸۱۲۸۹ مشهد

(۷) وادست مزدا ۱۶۰۰ تارنجی به شماره‌ی

۲۱۶۸۲ مشهد

(۸) تاکسی شماره‌ی ۲۶۵۵۵ مشهد

(۹) تاکسی شماره‌ی ۲۷۲۷۸ مشهد

(۱۰) همگان قهره‌ای به شماره‌ی ۵۷ به شماره‌ی

۲۹۱۲۵ مشهد از اتومبیل‌های مورد استفاده‌ی

جاقوکلان حزب المللی

(۱۱) همگان قهره‌ای به شماره‌ی ۱۱۵۸۲ مشهد

از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

۱۱۵۸۲ مشهد از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی به شماره‌ی

مذهب و آزادی "اهل کتاب" و اجباری نیست بودن دین است.

سردمداران جمهوری اسلامی درست با نیت به

سایر متطهرین و خست مغزان مذهبی ناهنجران و

عاجز از قبولان تفکرات کشیف و ارتجاعی خود

به مردم، اکنون حماق قتل و کشتار اختیار خود

را بلند کرده و شمار خود را به "جهان سراسر

با حماق ملسمان میکنیم" تغییر داده‌اند.

لیکن این دیوانگان چند قرن دیسترس از

دوران خود به دنیا آمده‌اند. در دوران پیشرفت

ولسم، تفکر آزاد و انقلاب، حماق کساری از

نیش کشیده‌اند.

شیخ ملی تهرانی اکنون بیش از ده هفته است

که به تنهایی در اعتصاب غذا بسر میبرد.

به نقل از خبرنامه (شماره ۲) اتحاد ملی زنان

۱۳۶۰/۲/۲۲

بیشتر اعدام شدگانی که به پزشکی قانونی

منتقل می‌شوند، از ناحیه‌ی شکم مورد اعدام است

کلوله قرار گرفته‌اند. این امر نشان می‌دهد که

در حین رژیم جمهوری اسلامی از شلیک تبر خلاص

به آنان دریغ دارند.

شکسته‌ی پیش‌بینی از پزشکان قانونی از کسار

استفعا می‌دهد و عده‌ای دیگر از کارکنان پزشکی

قانونی تهدید به استعفا می‌شما می‌دهد. علت است

اعتراض و استعفا کارکنان، گرفتن از اعدام

بی در پی نوجوانان، واقعه‌ای بوده که اخیراً

در این سازمان رخ می‌دهد. یکی از اعدام شدگان

دو روز پیش که همراه سایر اجساد به پزشکی

قانونی منتقل شده بود هنوز نیمه‌جان بوده و

کارکنان از بهادر تحویل دهنده می‌خواهند که

وی تحت درمان قرار گیرد، پاسدار در جواب گفت

خود را در می‌آورد و همانجا تبر خلاص را به مخرج

شلیک می‌کند.

چند تن از مرده شویهای سینه زهرآ پستی از

دیدن اجساد اعدام شدگان اخیر دچار بیمساری

روانی شده‌اند. یکی از آنها گفته است:

"چطور میتوانم بدن سوراخ سوراخ شده‌ی

دختران نوجوانی را که هنوز علامت بلوغ

در سینه و بدنشان نیست بشویم؟"

دختر سیزده ساله‌ای که اخیراً اعدام اوخته‌ام

تفرت مردم را در سراسر ایران و جهان برانگیخت،

دانش آموز مدرسه‌ی راهنمایی ونگ بوده است.

این دختر که فرزند خانواده‌ای فقیر و زحمتکش

است، بخارج خود را از راه کار کردن در خانه

های مردم تامین می‌نموده است.

شایع است که جسد یکی از "مجهول الهویه" ها که

در مرکز حزب جمهوری بقتل رسیده‌اند متعلق به

خود دوست (دوست سابق شاه و مشاور سابق پاداران)

میباشد. شایعات درباری افراد مجهول الهویه

از جمله فردیست دوست شاه و پادشاه و یکی مشهور،

از آنها سرشده می‌گیرند که هنوز با می افراد مجهول

الهویه اعلام نشده‌اند. با توجه به اینکه در چنین

جسده‌ی مهمی افراد با تناس ونا شناخته شرکت نداده

ندادند، و تا بحال رقت کافیه برای شناسایی اجساد

در اختیار ما مودین قرار داده‌اند، روشن میشود

علت اعلام نکردن کلیه‌ی اسامی شرکت کنندگان

بقتل در مذهبی

دستگیریهایی که محل شدت متشنج شد و خشم و نفرت مردم از پاسداران ظلم و ستم بالا گرفت. برآستی که تحلیفات نفرت انگیز رادیو و تلویزیون رژیم ارتجاعی و روزنامه های رو به ورشکستگی آن فقط برای عوامل خود رژیم قابل قبول است. با اینهمه بوق و کرنا، تهدیدات مختلف و بخش شایعه، رژیم حتی در مجتمع مسرئو شده که محلی نسبتاً کوچک و قابل کنترل است موفق به کشاندن مردم بهای صندوق انتخابات فرمایشی نشده است.

تمام تیرهای رژیم یکی پس از دیگری به سنگ میخورند. کار رژیم بجای رسیده که بسیاری برقراری خفقان ناجار از فرستادن اوپاش مسلح به درهای خانه هاست. و تازه در این نیز موفق نیست. چرا که این مریضه تمام رژیمهای متفرد در جهان است که سعی دارند به وسیله ای مضمی شلوار بنشیند جانی بر اکثریت مردم حکومت کنند. ولی تجربه نیز نشان داده است که همین یک مشت شلوار بنشیند هم در مقابل جنبش مردم زخمیتش با بیچاره میگذارد. تدویر رژیمهای جنایتکار در مقابل توده ای مردم خشمگین تنها میگذارد. کافیت ساواک و گارد جاویدان رژیم شاه و گارد ملی سوموزا دیکتاتور نیکاراگوئه را بخاطر آوریم.

شهادت

ایمانی تعدادی از عناصر حزب الهی و فالاندر مشهد که در پیج چاقو کشان و برقراری خفقان فعال هستند به شرح زیر است:

۱- عبدالحمید زاده، لیسانس بی شیمی از دانشگاه مشهد، دبیر دینی در دبیرستان دکتر علی شریعتی، وی در قلعه ای امام رضا، تکبیه تهرانی ها زندگی میکند و از عناصر مزدور و از گردانندگان تظاهرات حزب الهی هاست.

۲- ژرانتگر، لیسانس بی شیمی، دبیر دینی در دبیرستان شریعتی.

۳- فرحوش، لیسانس بی ریاضی، دبیر ریاضی در دبیرستان شریعتی.

۴- جواد دوراندیش، فرزند یک ارتشی و ساواکی سابق، وی عضو مجمع احیاء و تفکرات شیعی از بابت دیالمه ("نخاسته"ی سابق مشهد در مجلس بود که در انفجار حزب جمهوری بیدار و اجل شد) و کارمند دفتری دبیرستان شریعتی و دانشجوی شبانه ای دانشکده علوم مشهد است.

۵- حسین سجادی، معلم آموزش و پرورش فریمان مشهد، وی قبلاً رئیس امور پیشاهنگی در فریمان، عضو حزب رستاخیز آریا مهری و اکنون عضو حزب رستاخیز جمهوری اسلامی در فریمان است. وی همچنین مسئول محلی در روستایی نهر هت.

۶- محمد سجادی، کارمند اداره ی بهداشتی بهزیستی مشهد.

۷- حسین قنبریز، شغل آزاد، وی در شرکت اتوبوسرانی اتوتاج در خیابان تجریش مشهد مسئول پلیس است. وی نیز قبلاً عضو حزب

رستاخیز بوده و اکنون حزب الهی است. دختر وی نیز که حزب الهی است یکی از بستگانش را که از هوا داران مجاهدین بود، با خانه است. شاهین لطف آبادی، آدرس: خیابان خمینی (ارک سابق مشهد)، کوچه ی خمینی ۲۷، پلاک ۲- تلفن: ۴۲۲۹۴

۸- محمد علی ناجی، آدرس: خیابان ابوذر غفاری (سی متری دوم سابق)، ابوذر غفاری ۱۷، پلاک ۷۵

۹- جواد رحیمی روشینی، متولد اسفراین آدرس: خیابان شویعی، کوچه ی زمردی، پلاک ۲۹

۱۱- صاحب قابلی بازی ممتاز (آئینه و شیشه ی ساختن) واقع در خیابان سعدی، تلفن ۵۵۵۰۴ وی در عملی فالاندرها به بساط نیروهای چپ در خیابان دانشگاه مشهد شرکت داشته است.

۱۲- صاحب مقازه ی الکتریکی واقع در چهارراه لشکر مشهد. وی بارها هوا داران نیرو های چپ را دستگیر و تحویل کمیته داده است. اخیراً نیز مقازه ی وی توسط موتور سوار ی بسا مواد آتشزا به آتش کشیده شد.

۱۳- محمد هودت زاده ابهری، آدرس: خیابان خواجه ربیع، کوچه ی امیرشاهی، پلاک ۱۷، تلفن ۵۲۸۱۱

۱۴- رضا سهیلی، آدرس: خیابان مسعود، میدان بنفشه، پلاک ۷۵. گفته میشود خانواده ی سهیلی باعث لورفتن دو خانه از مجاهدین خلق در خیابان مسعود بوده اند.

۱۵- کمال الدین حق بین، آدرس: خیابان خواجه ربیع، کوچه ی امیرشاهی.

۱۶- صاحب کارخانه ی سنگ و موزائیک سازی خارا اتومات در جاده ی مشهد شاندیز. وی صاحب مقازه ی نیز در خیابان سناباد، پنجره سناباد نیز هست. تلفن ۲۲۹۷۹

۱۷- احمد رضا رضا زاده، عضو کمیته. آدرس: خیابان خمینی (ارک سابق)، کوچه ی کنسول افغانستان، مقابل پلاک ۳۲.

۱۸- حسین طالبخواه، عضو بسیج سپاه پاسداران مشهد. آدرس: خیابان خواجه ربیع، کوچه ی روبروی حمام کلالی، پلاک ۲۵. تلفن ۵۱۶۱۲

۱۹- امیر خسرو خیامی، آدرس: خیابان سناباد، ابوسفید ابوالخیر، بین مهناز و آبرج، پلاک ۵۱

۲۰- محمد حسین نیرومند، آدرس: خیابان ابوذر غفاری، ۳۳، پلاک ۱

همچنین اتومبیلهای زیر نیز متعلق به ارتجاع در خدمت سرکوب مبارزات مردم هستند:

۱) استیشن باری خاکسری تیره به شماره ی ۱۴۶۲۲ تهران - ۵۱ متعلق به سپاه پاسداران مشهد.

۲) پیکان پسته ای رنگ به شماره ی ۱۳۶۲۱ گنبد - ۱۱، از گشتهای شخصی سپاه پاسداران مشهد.

۳) پیکان شماره ی ۴۷۱۵۴ مشهد، وابسته به بسیج سپاه پاسداران، واحد مسجد شمس الخوس (خیابان دریا واقع در طلاب)

باقیام قوا مانع دستگیری مبارزین شویم

اخبار

تهران

چندی قبل یکی از چهارنا و جنگی ایران، بنای میلانیا، به یک سکوی حفاری در میان دریاها احداث کرده و سپس به جزیره‌ی غارک منتقل شده. در آنجا با مگول کردن تمهیرات بعد، این ناو غرق شده است و ۳۰ تن از خدمه‌ی آن در تهران تحت نظر قرار گرفته‌اند. جالب اینست که روزنامه‌های قلم بمزد رژیم یک کلمه در اینباره سخن نگفته‌اند.

ساعت ۱۱/۱۵ صبح جمعه ۲ مرداد روز انتخابات فرمانی، بدستمال انفجار بمب‌گذاران سرمایه به تقاطع خیابان زرتشت با صدق هجوم برده و در آنجا مستقر شدند. در این هنگام جوان ۶۰ ساله‌ای که دچار اضطراب شده بود، شروع به دویدن کرد که بلافاصله توسط پاسداران ارتجاع به رگبار بسته شد و در کف خیابان جان داد. همچنین جسد دیگری که از مقابل فروشگاه کورش فریاد اعتراض علیه این عمل فاشیستی را سر داد، با رگبار مسلسل مواجه شد که فقط توسط یک درخت تنومند از مرگ نجات یافت.

چلادان جمهوری اسلامی در تفرای حفظ حاکمیت ارتجاعی قرون وسطایی خود به اوج جنون رسیده‌اند و به هر عمل چنانچه رانده‌ای دست میزنند تا بلکه چند صباغی بیشتر به بقای نتگین خود ادامه دهند.

شهرکرد

ژاندارمهایی که برای بردن جوانان به جنگ به دهات اطراف شهر کرد مراجعه کرده بودند، با مقاومت آنها مواجه گشتند. در زدوخوردهای بین مردم و ژاندارمها، تعدادی از ژاندارمها کشته شدند. پس از آن پاسداران سرمایه وارد عمل شدند. آنها نیز با مقاومت روبرو گشتند و تعدادی تلفات بجای میگذازند. بدستمال این وقایع، تعدادی از جوانان به کوهها پناه برده‌اند.

جنگ ارسا می ایران و عراق از ابتدا برای مردم زحمتکش ما نتیجه‌ای جز بدبختی، آوارگی،

گرانی، بی خانمانی و مرگ به همراه نداشته است. آتش این جنگ هنوز شعله میکشد و رژیمهای ارتجاع ایران و عراق هر روز تعداد بیشتری از مردم دو کشور را قربانی تملات و اختلافات خود میکنند. لیکن، اکنون و خامت اوضاع به حدی رسیده است که نقطه‌های مقاومت علیه احضار جوانان به جنگ در حال شکل گیری است و نموده‌ی فوق مثال بسیار خوبی در این زمینه است. مشمولین سراسر کشور نیز می باید از این نمونه پیروی کرده و حتی المقدور از رفتن به جنگ و کشته شدن بخاطر رژیمهای سرمایه‌داری ایران و عراق خودداری کنند. این امری است که بسادگی قابل اجراست. بخاطر داشته باشیم که رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی بسیار بدتر و آشفته‌تر از آنست که بتواند مشمولین فراری را تعقیب کند. علت اصلی اینهم که رژیم مرتبا مجبور است متولدین سالهای بالاتر را احضار کند دقیقاً بخاطر خودداری تعداد زیادی از احضارشدگان از رفتن به جنگ است. بکوشیم تا خودداری از شرکت در جنگ رژیمهای سرمایه‌داری ایران و عراق را به یک امر همگانی مبدل سازیم.

مجلس سرچشمه

قبل از انتخابات فرمانی ریاست جمهوری، یعنی روز ۲۹ تیر پاسداران سرمایه مستقر در مجتمع مس سرچشمه، اسامی کلیدی افرادی را که در مجتمع کار میکنند و اسامی اعضای خانواده‌های آنها را جمع آوری کردند. کسانی که از دادن اسامی خانواده‌ی خود خودداری میکردند به شدت مورد تهدید واقع میشدند.

بدستمال این امر شایع شد که ابتکار برای کنترول آراء در روز ۲ مرداد، انجام شده است. در نتیجه بسیاری از کارکنان، چه کارمند و چه کارگر، به بهانه‌ی تعطیلی دوازده (پنج شنبه و جمعه) مجتمع را ترک کردند.

علاوه بر این تیز پاسداران آزادی سرمایه همواره سعی در برقراری اعتناق در مجتمع را داشته‌اند. بعنوان مثال اگر چراغ خانسهای تا دیروقت روشن باشد، سپاه ظلم جاسوس به حوالی آن میفرستد. حتی یکی از پاسداران اخیراً تخین جاسوسی در بیرون یک خانه بدست مردم گرفتار آمد و این امر باعث رسوایی فراوان سپاه ارتجاع شد.

بعد از انفجار در مقر حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی نیز بعضی خانه‌ها مورد حملات واقع و حداقل دو نفر دستگیر شدند.

پاسداران سرمایه مستقر در مجتمع که ما مور برقراری امنیت برای سرمایه‌داران در منطقه نیز هستند، روز ۲۸ تیر پس از دریافت گزارش از جهاد سازندگی پاریز که دهیسی در ۱۵ کیلومتری مجتمع مس است، به آنجا رفته و ۶۹ نفر را دستگیر کردند. بدستمال این

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دیگر باید